

بسمه تعالی

نهج البلاغه در اجازات علماء

نهج البلاغه از همان آغاز تألیف مورد توجه اندیشمندان از همه طوایف و فِرَق واقع شده است و این امر، هم به سبب شخصیت برجسته جامع مرحوم شریف رضی (اعلی الله مقامه) و هم به جهت اسلوب بدیعی است که در آن به کار رفته است. اعتبار کتاب و اعتماد دانشمندان نسبت به آن، از ترجمه، شروح و مستدرکاتی که بر آن نوشته اند به خوبی آشکار می شود. اولین کسی که آغازگر این حرکت بود عالم وارسته مرحوم سید ضیاءالدین ابوالرضا فضل الله بن علی راوندی می باشد^۱ (متوفای بین سال های ۵۷۱ تا ۵۷۴ هجری)^۲ که با نگاشتن حاشیه و شرحی بر آن اهمیت کتاب شریف نهج البلاغه را یادآور شده و پس از وی کارهای متعددی با محوریت نهج البلاغه انجام شده و می شود، الحمدلله. یکی از نکات مهم و برجسته در این رابطه اجازاتی است که علماء و محدثان بزرگ درباره نهج البلاغه صادر کرده اند.

طبق یک سنّت اصیل در علم حدیث و اعتبار و سندیت آن، «اجازه» نقل حدیث از اساتید و راویان اصلی است، یعنی اعتبار حدیث و پذیرش آن منوط به اجازه‌ای است که از یکی از مشایخ و اساتید فن گرفته شده باشد.

این طور نیست که هرکس از هر جا حدیثی را یافت و نقل کرد مورد توجه و قبول قرار گیرد بلکه می‌بایست یا به طریق «املاء» بوده و استاد گفته و شاگرد آن را ثبت و ضبط کرده باشد و یا استاد کتباً آن را تأیید کرده و اجازه داده باشد.

بنابراین مسأله اجازه یکی از ارکان «علم الحدیث» است که قبل از ظهور صنعت چاپ رواج داشته و خوشبختانه نمونه های فراوانی از آن به یادگار مانده است.

۱. المحقق الطباطبائي في ذكره السنوية الأولى، جلد سوم، ص ۱۰۴۶، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث (بیت).

۲. شرح وی بر نهج البلاغه توسط بنیاد نهج البلاغه قم برای اولین بار در حال انتشار می باشد.



اجازات نهج البلاغه

کتاب شریف نهج البلاغه نیز از چنین پشتوانه ارزشمندی برخوردار است و چند طریق اجازه معتبر برای آن روایت شده است که نقل همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد و تنها به ذکر نمونه‌هایی از آنها اکتفا می‌شود:

- ۱- الشيخ الامام رشيد الدين ابوالحسن علي بن محمد بن علي الشعيري
- ۲- الشيخ الامام السيد حجة الدين فريد خراسان أبو الحسن بن أبي القاسم بن محمد
- ۳- علي بن فضل الله بن علي بن عبيد الله بن علي الراوندي
- ۴- ابونصر علي بن محمد بن الحسن المتطب
- ۵- السيد الاجل عز الدين الحسن بن علي بن محمد بن علي المعروف بابن الأبرر الحسيني
- ۶- السيد نجم الدين الحسيني الطوسي
- ۷- محمد بن الحسن بن محمد العلوي
- ۸- شمس الدين بن نجدة (از شاگردان شهيد اول)
- ۹- العلامه علي بن يونس البياضي
- ۱۰- الشيخ علي بن عبدالعالي الكركي
- ۱۱- الشيخ حسن بن زين الدين العاملي
- ۱۲- العلامه محمد باقر المجلسي
- ۱۳- الشيخ الحر العاملي صاحب الوسائل^۱

بی‌مناسبت نیست که صورت اجازه مرحوم شیخ حرّ عاملی را به نظر برساند.

«و أجزت أن يروى عنّي كتاب نهج البلاغه ... و غير ذلك من مؤلفات السيد الرضى ... بالسند السابق عن شاذان بن جبرئيل القمي عن احمد بن محمد الموسوي عن ابن قدامه عن السيد الرضى»

راویان کتاب نهج البلاغه

نکته مهم دیگر که کمتر بدان توجه شده ولی در اعتبار نهج البلاغه نقش برجسته‌ای دارد توجه محدثان و علمایی است که این کتاب و مفاد آن را روایت کرده‌اند، بدیهی است کتابی مورد روایت قرار می‌گیرد که از نظر وثاقت تخصص مؤلف و سایر جهات به عنوان یک متن علمی شناخته شده باشد و

۱. درسه حول نهج البلاغه - محمدحسین حسینی جلالی ص ۹۵

توضیحات و نکته‌های آن را دریافت کرده باشند.

روایت یک کتاب از سوی افراد معتبر در آن علم نشانه روشنی بر صحت و عمق مطالب و نیز سند و شرایط لازم در صدور آن است.

درباره کتاب شریف نهج البلاغه محدثان و راویانی که اسامی برخی از آنان ذیلاً تقدیم می‌شود کتاب نهج البلاغه را از اساتید خود روایت کرده‌اند که بعضی از آنان شخصاً در محضر مؤلف حضور داشته و مُشافههٔ مطالب را استفاده و استماع و سپس نقل کرده‌اند.

و این نشانه دیگری بر تلقی به مقبولیت نهج البلاغه در طول تاریخ است و اینک اسامی برخی از کسانی که کتاب نهج البلاغه را تا قرن پنجم روایت کرده‌اند :

۱- احمد بن علی بن قدامه (ت/۴۸۶)

۲- ابو عبدالله جعفر بن محمد الدوریستی (ت/۴۰۱)

۳- محمد بن الحسن الطوسی (ت/۴۶۰)

۴- محمد بن علی الحلوانی (ت/۵۲۰)

۵- محمد بن محمد العکبری (ت/۴۷۲)

۶- ابوزید الکیابکی

۷- النقیبه بنت السید المرتضی

لازم به ذکر است که دختر سید مرتضی یکی از کسانی است که کتاب نهج البلاغه را شخصاً از عمویش سیدرضی روایت کرده است و عبدالرحیم معروف به «ابن الاخوه» آن را از آن بانوی عالمه فاضله نقل کرده است.^۱

و از همه مهمتر، محتوی و مطالب مسلمی است که در نهج البلاغه آمده و ده‌ها آیه و صدها حدیث پشتوانهٔ آن است که قابل تردید نیست و برآستی می‌توان گفت که از کسی جز امام علیه السلام نمی‌تواند صادر شده باشد.

در هر صورت غرض از تحریر این مطالب اشاره به برخی نظرات و سخنانی است که اخیراً در رابطه با نهج البلاغه و بعضی از احادیث آن شنیده می‌شود که البته پیشتر هم مطرح بوده و جواب‌های کافی و شافی داده شده است.

^۱ . کتاب درسه حول نهج البلاغه ص ۹۳-۹۴.





بنظر می‌رسد ورود نهج البلاغه در فرهنگ جامعه و مراکز جهانی و گسترش آن در حوزه و دانشگاه و انجام تألیفات و تحقیقاتی که در این باره انجام شده به عنوان یک مطالبه جدی در جامعه و نظام اسلامی مطرح شده و می‌رود که به یاری خداوند در نظامات جوامع اسلامی دیگر هم وارد شود که عصر جدیدی را پی‌ریزی می‌کند.

ذکر این نکته لازم است که در زمان حاضر که به برکت انقلاب اسلامی، موانع سیاسی و دولتی در باب ارائه فرهنگ ناب اسلامی و علوی از بین رفته است. محققان و مؤلفان می‌توانند آزادانه به تحقیق و بیان حقایق و کشف نکته‌ها و قوانین و ارائه آن به دولت و مجلس، فضای کشور را علوی و اسلامی کند و مطالب بسیار مهم اخلاقی، سیاسی و اجتماعی را عرضه کرده و به زبان روز و طبق نیاز جامعه در اختیار بگذارند.

به عنوان نمونه، عهدنامه امام (علیه السلام) به مالک اشتر که مهمترین منشور حکومت اسلامی است توسط خود آن حضرت نوشته شده است.

متأسفانه در این باره کتابی که به عنوان «طرح» یا «لایحه» از آن استفاده شود تاکنون تألیف نشده است و البته لازم است مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی علی‌رغم کثرت کارها و مشاغل، زمینه و شرایط بهره‌مندی از این کتاب ارزشمند را به نهادهای دولتی و قانونگذار بدهد. امیدواریم در آینده نزدیک از آن استفاده شود.

سیدجمال‌الدین دین‌پرور